

Examining the Impact of Philosophy Education for Children on Academic Motivation and Engagement of Second Grade Elementary Students with Specific Learning Disabilities

Amir Sabzipour¹, Toraj Hasanirad², Banafshe Hasanvand³

Received: 2023/05/10 Revised: 2024/08/05
Accepted: 2025/08/31

بررسی تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش-آموزان دوره دوم ابتدایی دارای نارسایی ویژه

یادگیری

امیر سبزی‌پور^۱، تورج حسنیراد^۲، بنفشه حسنوند^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تجدید نظر

۱۴۰۳/۰۵/۱۵:

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

چکیده

Abstract

Objective: This study aimed to examine the impact of philosophy education for children on academic motivation and engagement of second grade elementary students with specific learning disabilities. **Method:** This research was applied in objective and semi-experimental in nature, employing a pretest-posttest design with a control group. The statistical population consisted of all second grade elementary students with specific learning disabilities in District 1 of Khorramabad City during the 2023-2024 academic year. From the population, 26 students with specific learning disabilities were selected by convenience sampling and randomly assigned into experimental (13 students) and control (13 students) groups. The experimental group received philosophy education for children over 12 sessions of 50 minutes each. To collect research data, the Academic Motivation Scale (AMS) by Vallerand (1992) and the Academic Engagement Questionnaire by Reio (2013) were used. Multivariate analysis of covariance was utilized to analyze the data. **Findings:** The results showed that philosophy education for children significantly affected academic motivation and engagement in students with specific learning disabilities ($p < 0.01$). In other words, the students' academic motivation and engagement improved significantly as a result of the respective educational approach. **Conclusion:** Based on the research results, teachers, counselors, and parents of students with specific learning disabilities can use the philosophy education program for children to enhance their academic motivation and engagement.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی دارای نارسایی ویژه یادگیری انجام شد. **روش:** این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها نیمه‌آزمایشی از نوع طرح پیش-آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از تمامی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی دارای نارسایی ویژه یادگیری ناحیه ۱ شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲. از میان جامعه آماری تعداد ۲۶ دانش‌آموز دارای نارسایی ویژه یادگیری به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب، و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۳ نفر) و کنترل (۱۳ کنترل) گمارش شدند. گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه‌ای تحت آموزش فلسفه برای کودکان قرار گرفتند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه انگیزش تحصیلی AMS والراند (۱۹۹۲) و پرسشنامه درگیری تحصیلی ریو (۲۰۱۳) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری موثر است ($p < 0.01$). به بیان دیگر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان در نتیجه رویکرد آموزشی مربوطه بهبود معناداری داشته است. **نتیجه‌گیری:** نظر به نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان گفت که آموزگاران، مشاوران و والدین دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری می‌توانند از برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان برای افزایش انگیزش و درگیری تحصیلی استفاده کنند.

Keywords: *Philosophy education, Academic motivation, Academic self-regulation, Specific learning disabilities.*

واژه‌های کلیدی: آموزش فلسفه، انگیزش تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی، نارسایی ویژه یادگیری

1. **Author:** Amir Sabzipour, Assistant Professor of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. Amirsabzipour@pnu.ac.ir.
2. Assistant Professor of Educational Sciences, Payam Noor, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

- ۱- نویسنده مسئول: امیر سبزی‌پور، استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور-تهران، ایران. Amirsabzipour@pnu.ac.ir.
- ۲- استادیار علوم تربیتی پیام نور -تهران-ایران.
- ۳- استاد یار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور -تهران-ایران.

مقدمه

نارسایی ویژه یادگیری^۱ به عنوان یکی از جنجال-برانگیزترین مقوله‌های آموزش و پرورش (گریگورنکو، کامپتون، فوش، واگنر، ویلکات و فلچر، ۲۰۱۹) به نقص در یک یا چند فرآیند روان‌شناختی پایه مربوط به درک یا کاربرد زبان، اشاره دارد که به صورت ناتوانی در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی بروز می‌کند (ساینیو، الکاند، آهون و کیورو^۲، ۲۰۱۹). ناتوانی‌های یادگیری که در ۸ تا ۱۰ درصد دانش-آموزان به علل مختلف دیده می‌شود (گئورگان، آرچیبلد و هوگان^۳، ۲۰۲۳) می‌تواند پیامدهای وسیع-تری از نقص و ضعف‌های آموزشی داشته باشد (وبر، بوئیسله، فوربس، گیرارد و سیدریدیس^۴، ۲۰۱۹) و ابعاد مختلف زندگی فرد و خانواده از جمله افت تحصیلی و کاهش سلامت روان فرد را متأثر سازد و تأثیر مستقیمی بر بهداشت روانی فرد و خانواده داشته و به طور متقابل از آن تأثیر می‌پذیرد (گراهام، هبرت، فیشمن، ری و رز^۵، ۲۰۲۰).

از جمله حوزه‌های تحصیلی که دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری در آن با مشکل مواجه‌اند، انگیزش تحصیلی است (کائوسیک^۶ و حسین، ۲۰۲۳). آنتونیو، پولیچرونی و کورتونی^۷ (۲۰۰۹) معتقدند وجود مشکلات شناختی دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی ویژه یادگیری احتمالاً منجر به کسب مهارت‌های اساسی تحصیلی ضعیف می‌شود که نتیجه آن انگیزش کم، رفتارهای اجتنابی بیشتر و بی‌انگیزگی است. انگیزش تحصیلی^۸ لذت بردن از یادگیری در مدرسه همراه با کنجکاوی، درون‌زایی وظیفه و یادگیری وظایف چالش‌برانگیز، دشوار و بدیع است (الفلکی و البیالی^۹، ۲۰۲۳). به‌طور کلی می‌توان گفت که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به رغم استعداد ذاتی و دستاوردهای تحصیلی قابل توجه، تحت‌الشعاع انگیزش تحصیلی قرار می‌گیرد (احمدی، ضیاپور، لبنی و مهدی، ۲۰۲۳). هنگامی که یادگیرندگان برای

یادگیری انگیزه لازم را داشته باشند، فرایند ارتباط تسهیل شده، مطالب روان‌تر گشته، اضطراب کاهش یافته و خلاقیت و یادگیری نمود می‌یابند. همچنین دانش‌آموزان با انگیزه اثرات انگیزشی مثبتی بر روی مدارس گذاشته و در نتیجه سبب رضایت‌بخشی آموزش هم برای معلم و هم برای دانش‌آموزان می‌شوند (کوترا، کانوی و گرین^{۱۰}، ۲۰۲۳). در واقع می‌توان گفت انگیزه تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند و به وی انرژی می‌دهد و فعالیت‌های او را هدایت می‌کند (مارتین، جنس و کولی^{۱۱}، ۲۰۲۳). در همین رابطه رضایی و محمدزاده (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان داد که دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری ویژه نسبت به هم‌تایان عادی‌شان از سطوح پایین‌تر انگیزش تحصیلی برخوردارند.

یکی از پیامدهای اختلال یادگیری کاهش درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان است (کوکبی رحمان، تقوایی و پیرانی، ۱۴۰۲). تحقیقات نشان می‌دهند دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص به دلیل مواجهه بیشتر با چالش‌های مختلف از جمله تجارب آسیب‌زای فردی، فقدان آمادگی تحصیلی، یا تعلق به جوامع در معرض خطر، لذا نحوه پاسخدهی این دانش‌آموزان به این چالش‌ها بر سطح انگیزش، پشتکار و تلاش تحصیلی یا به عبارت دیگر درگیری تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (جانوزا، آرشامبولت، موریزوت و پگانی^{۱۲}، ۲۰۰۸). درگیری تحصیلی^{۱۳} به‌وسیله تعهد و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های درسی مدرسه و خارج از مدرسه سنجش می‌شود (الراشیدی، فان و نگا^{۱۴}، ۲۰۱۶؛ هرت، استیوارد و جیمرسون^{۱۵}، ۲۰۱۱). درگیری تحصیلی یک ساختار چند بعدی و شامل اجزا و مولفه‌های رفتاری، شناختی و عاطفی است (مارتینز، یوسف-مورگان، کمبل و مارگویز-پینتو^{۱۶}، ۲۰۱۹). درگیری رفتاری^{۱۷} به مشارکت در آموزش، فعالیت‌هایی مثل دقت و توجه، شرکت داوطلبانه،

عمل کرد مثبت و مشارکت در مدرسه اشاره دارد. درگیری عاطفی^{۱۸} به نگرش‌های عاطفی به سمت مدرسه و تطبیق با آن و حس تعلق به مدرسه بر می‌گردد و درگیری شناختی^{۱۹} از مولفه‌های خودتنظیمی، ارزش‌یادگیری و اهداف شخصی، خودگردانی، دسترسی به آموزش و استفاده از راهبردهای فراشناختی تشکیل شده است (پرکمن^{۲۰}، ۲۰۲۱). پایین بودن درگیری تحصیلی و متعاقب آن، افت تحصیلی از سطوح ابتدایی به سمت سطوح بالاتر تحصیلی با اتلاف هزینه‌های جاری، سرخوردگی و از دست دادن روحیه فراگیران، خسارت زیادی به دانش‌آموز، مدرسه و جامعه وارد می‌کند (عابد و اختر، ۲۰۲۰). دهقانی، حکمتیان‌فرد و پاسالاری (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که میزان درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص در مقایسه با همتایان عادی‌شان پایین‌تر است.

باوجود تلاش‌های فراوان در حوزه ناتوانی‌های یادگیری، اغلب مطالعات و مداخلات رایج در زمینه ناتوانی‌های یادگیری صرفاً بر ابعاد شناختی ناتوانی‌های یادگیری پرداخته و برای آسیب‌شناسی و درمان این ناتوانی‌ها، با تکیه بر نشانگان تشخیصی، در جهت کاهش نشانگان قدم برداشته‌اند، اما کمتر به رفع پیامدها و مشکلات تحصیلی این ناتوانی پرداخته شده است (ارخودی قلعه‌نوئی، امین یزدی، کارشکی و کیمیایی، ۱۴۰۱). یکی از رویکردهای آموزشی که می‌تواند در زمینه مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری مفید باشد و تاکنون در ارتباط با آن پژوهشی صورت نگرفته است، آموزش فلسفه برای کودکان^{۲۱} است. آموزش فلسفه به کودکان به مجموعه‌ای از مدل‌های مرتبط با آموزش استدلال اشاره می‌کند که ریشه در کارهای لیپمن (لیپمن^{۲۲}، ۲۰۱۷) در حوزه آموزش مهارت‌های تفکر از طریق فلسفه دارد (گاتلی^{۲۳}، ۲۰۲۰). از نظر لیپمن (۲۰۱۷) فلسفه برای کودکان یک اقدام آموزشی است که به بهبود تفکر و حل مسأله در کودکان می‌پردازد و

فلسفه را به‌عنوان شیوه‌ای برای پرورش تفکر و قضاوت اخلاقی، انتقادی و خلاق مورد استفاده قرار می‌دهد. مدل لیپمن از آموزش فلسفه به کودکان دارای ۵ مرحله است که عبارتند از: (۱) خواندن یک داستان فلسفی، (۲) پرسیدن سوال و تشکیل برنامه کار، (۳) بحث در مورد سولات در حلقه کندوکاو، (۴) خودارزیایی از اعمال، تمرینات فلسفی و فعالیت‌ها، (۵) در بین هر قسمت، مجری با توجه به طرح بحث از کتاب راهنما، یک بازی ذهنی و یک بحث هدایت شده درباره یک مفهوم مهم را ارائه می‌دهد (کولن^{۲۴}، ۲۰۱۶). برنامه آموزش فلسفه قصد دارد به کودکان بیاموزد که خودشان فکر کنند و آگاهانه انتخاب کنند (برنجکار، احقر و انصاریان، ۱۳۹۷). هدف این است که با ایجاد تفکر درباره تفکر هنگام بحث درباره مفاهیم مهم برای کودکان، توانایی‌های استدلال و قضاوت کودکان را بهبود بخشیم (سیدیکوی، گورارد و سی^{۲۵}، ۲۰۱۹). برنامه فلسفه برای کودکان، با ایجاد فرصت کاوشگری پیرامون موضوعاتی که کودک را درگیر خود ساخته علاوه بر پرورش قدرت تفکر و تعمق روی مسائل منجر به تفکر تاملی، تفکر مشارکتی، احساس کارآمدی در تولید و پرورش ایده‌ها و خودمختاری کودک می‌شود (کوکس^{۲۶}، ۲۰۱۵). تحقیقات گوناگونی به تاثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر متغیرهای مختلف تحصیلی اشاره کرده‌اند؛ با این حال تاکنون در پژوهشی به اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان بویژه دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص پرداخته نشده است. از جمله: راهدار، پورگاز و مرضیه (۲۰۱۸) در پژوهشی به اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر افزایش تفکر انتقادی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند.

پژوهش هرون و کاسدی^{۲۷} (۲۰۱۸) نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان تاثیر قابل توجهی در افزایش تفکر انتقادی، خودتنظیمی و مشارکت

درگیرانه دانش‌آموزان با نیازهای رفتاری و اجتماعی و ارتباطات اجتماعی شده است. لینگ^{۲۸} (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان داد که استفاده از روش اجتماع فلسفی درمان اثربخشی برای بهبود مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری است. کوکس (۲۰۱۵) مطرح کردند که آموزش فلسفه تاثیر معنی‌داری بر بهبود راهبردهای یادگیری خودراهر در بزرگسالان دارد. فتحی‌آذر، تقی‌پور و حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸) خاطر نشان ساختند که آموزش فلسفه برای کودکان موجب بهبود خودتنظیمی هیجانی و مولفه‌های آن شامل پنهاری‌کاری، سازش‌کاری و تحمل‌آنان می‌گردد. برنجکار و همکاران (۱۳۹۷) مطرح کردند که آموزش فلسفه به کودکان بر راهبردهای یادگیری دانش‌آموزان شامل راهبردهای شناختی و فراشناختی موثر است. در پژوهشی محمدپناه اردکان، منصوری، متقی و صانعی‌فر (۱۴۰۲) نشان دادند که آموزش تفکر فلسفی به کودکان بر استرس تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. نصرتی هشی، عباسپور، اسکندری و نادری (۱۴۰۱) در پژوهشی به اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر نگرش به خلاقیت و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان اشاره کردند. در پژوهش پادروند، قبادیان، نظرپور صمصامی و عالی‌پور (۱۴۰۲) به اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر هیجان‌های تحصیلی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان اشاره کردند.

نقش متغیرهایی انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی که جزء ارکان اصلی موفقیت در عملکرد تحصیلی هستند، بر کسی پوشیده نیست، با این وجود دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری در زمینه‌های ذکر شده با محدودیت‌های جدی روبه‌رو هستند. از طرفی همواره پژوهشگران در پی دستیابی به روش‌ها و آموزش‌هایی جهت بهبود و تقویت متغیرهای تحصیلی دانش‌آموزان با نارسایی ویژه یادگیری هستند، تا از این طریق به توانمندسازی سیستم آموزشی جامعه خود کمک کنند. اما تاکنون در

پژوهشی به بررسی اثربخشی فلسفه برای کودکان بر متغیرهای تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری ویژه انگیزش و درگیری تحصیلی پرداخته نشده است. از این رو پژوهش فعلی درصدد است که ضمن پر نمودن خلاء پژوهش در زمینه مسئله فعلی، به نتایج کاربردی جهت استفاده روانشناسان، معلمان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش استثنایی کشور دست یابد. با توجه به این امر، هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر دارای نارسایی ویژه یادگیری است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، تحقیق نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس-آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر با نارسایی ویژه یادگیری (پایه چهارم، پنجم و ششم) مقطع ابتدایی ناحیه ۱ شهر خرم‌آباد که به مرکز اختلالات یادگیری (یاسمین) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مراجعه کرده بودند. از بین دانش‌آموزان مراجعه کننده به مرکز اختلال یادگیری خاص، تعداد ۲۶ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری همدمند انتخاب، و در ادامه در قالب دو گروه آزمایش (۱۳) و کنترل (۱۳) گمارش شدند. معیارهای ورود به پژوهش: پایه تحصیلی چهارم، پنجم و ششم داشتن، داشتن رضایت و اعلام توافق دانش‌آموز به منظور شرکت در پژوهش، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، جلب رضایت والدین جهت شرکت فرزندشان در پژوهش؛ معیارهای خروج شامل؛ غیبت بیش از دو جلسه در جلسات آموزشی، شرکت در جلسات آموزشی دیگر و عدم همکاری و پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش بود. به منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

۱- پرسشنامه انگیزش تحصیلی: این پرسشنامه توسط والرند^{۲۹} و همکاران (۱۹۹۲) ساخته شده است. پرسشنامه انگیزش تحصیلی والرند به سنجش انگیزش

تحصیلی افراد در سه بعد زیر می‌پردازد: ۱. انگیزش درونی (برای دانستن) شامل سوالات: ۲-۹-۱۶-۲۳، انگیزش درونی (برای دستاورد) شامل سوالات: ۶-۱۳-۲۰-۲۷، انگیزش درونی (برای تجربه تحریک) شامل سوالات: ۴-۱۱-۱۸-۲۵. ۲. انگیزش بیرونی (تنظیم منسجم) شامل سوالات: ۳-۱۰-۱۷-۲۴، انگیزش بیرونی (تنظیم درون فکنی شده) شامل: ۷-۱۴-۲۱-۲۸، ۲. انگیزش بیرونی (تنظیم برون فکنی شده) شامل سوالات: ۱-۸-۱۵-۲۲. ۳. بی انگیزگی شامل سوالات: ۵-۱۲-۱۹-۲۶. این پرسشنامه دارای ۲۸ جمله است که فرد باید به صورت طیف لیکرت هفت درجه‌ای از اصلاً مطابقت ندارد تا کاملاً مطابقت دارد یک نمره به آن جمله بدهد. در این پرسشنامه حداقل نمره ۲۸ و حداکثر نمره ۱۹۶ خواهد بود. والرند و دیگران (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ گزارش کرده است. در ایران باقری و همکاران (۱۳۸۲) پس از ترجمه پرسشنامه، آن را روی ۸۳۸ نفر آزمودنی اجرا کردند و پس از بررسی نتایج، پرسشنامه را با تفاوت‌های فرهنگی جامعه ایرانی مطبق ساختند. آن‌ها همچنین به منظور سنجش پایایی، مقیاس ضرایب همبستگی درونی و آزمون بازآزمایی را محاسبه کردند که مقدار آن بالاتر از ۰/۷۷ بود که حاکی از پایایی مناسب پرسشنامه است. در مطالعه ویسانی، لواسانی و اژه‌ای (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۶ و ۰/۶۷ به دست آمد. در این پژوهش نیز پایایی به دست آمده برای کل پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با نمره ۰/۷۵ بود.

۲- پرسشنامه درگیری تحصیلی: این پرسشنامه توسط ریو و تسینگ^{۳۰} (۲۰۱۱) معرفی شد که چهار مؤلفه شناختی، هیجانی، رفتاری و عاملیت را می‌سنجد و دارای ۲۲ گویه است و بر درجه بندی هفت گانه لیکرت ۱ (بسیار موافقم) تا ۷ (بسیار مخالفم) صورت بندی شده است. ریو و تسینگ (۲۰۱۱) پایایی

این ابزار را با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ گزارش کرده است. سماوی و ابراهیمی (۱۳۹۴) در مطالعه ای روایی عاملی پرسشنامه را تأیید کردند و ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷، و برای مؤلفه درگیری عاملیت ۰/۸۱، برای مؤلفه درگیری رفتاری ۰/۹۳، برای مؤلفه درگیری شناختی ۰/۸۷، و مؤلفه درگیری عاطفی ۰/۷۸، به دست آمده است. در پژوهش حاضر میزان پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با نمره ۰/۷۱ بود.

روش اجرا: شیوه اجرا در این پژوهش به این صورت بود که محقق پس از کسب اجازه از سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر خرم‌آباد برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه دانش‌آموزان دچار نارسایی ویژه یادگیری در مرکز کلینیک اختلالات یادگیری یاسمین حضور یافت. پس از انتخاب افراد، اطلاعاتی در مورد نوع آموزش، نحوه حضور آن‌ها در جلسه، تعداد و زمان جلسات ارائه شد. جلسات به صورت هفته‌ای دوبار اجرا شد. در آغاز درمان ابتدا پیش‌آزمون به عمل آمد و میزان انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس افراد به صورت گروهی تحت آموزش فلسفه برای کودکان قرار گرفتند. پس از اتمام جلسات آموزشی در مرحله پس‌آزمون هر دو گروه مجدداً با پرسشنامه فوق‌موردآزمون قرار گرفتند. سپس داده‌ها وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ شده و با استفاده از روش‌های توصیفی (شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد) و با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره و چند متغیره (MANCOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

معرفی برنامه مداخله: در این پژوهش رویکرد آموزش فلسفه به مدت ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای و در هر هفته دو جلسه برای روی گروه آزمایش اجرا شد. دوره آموزش به روش اجتماع پژوهی^{۳۱} یا حلقه کاندوکاو انجام شد. بسته‌های آموزشی، کتاب‌های داستان‌های زی‌زی و سیاره زمین در ۳ جلسه و دانستنی‌های شگفت انگیز درباره ستارگان در ۵ جلسه و کتاب اسرار فضا در ۴ جلسه اجرا شدند. جلسات از طریق گفت و گوی بین معلم و دانش‌آموزان با توجه به داستان‌های مطرح شده صورت گرفت. در تمامی جلسات فرآیند تفکر توسط دانش‌آموزان با خواندن داستان آغاز می‌شد و از آن‌ها خواسته می‌شد تا به تفکر بپردازند و نظرات خود

را در مورد داستان بیان کنند. همچنین از خود بپرسند و فکر کنند در رابطه با داستانی که خوانده‌اند چه نکته‌ای برایشان جالب و سال برانگیز بوده است. سپس معلم نظرات هر یک از دانش‌آموزان را بر روی تابلو نوشته و از آن‌ها می‌خواست تا در مورد نظرات خود توضیح دهند. در هر جلسه دانش‌آموزان با توجه به سؤالات مطرح شده به تعامل و گفت و گو پرداخته و ایده‌های خود را ابراز نمودند. افراد گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. در پایان جلسات درمان از هر دو گروه آزمایش و گواه پس‌آزمون به عمل آمد.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فلسفه برای کودکان

جلسات	عنوان جلسات	محتوای جلسات
اول	معارفه و بیان اهداف جلسات	معارفه و اجرای پیش‌آزمون و توضیح شیوه انجام آموزش و بیان چند نمونه از قوانین، معرفی مربی به هر یک از دانش‌آموزان
دوم	خشم	ارائه داستان خشم و طرح سؤالات مختلف از طرف دانش‌آموزان و گروه‌بندی سؤالات و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره آن‌ها
سوم	خشم	ادامه موضوع جلسه قبل و گفت‌وگو در مورد آنچه که در مورد خشم آموزش داده شده بود.
چهارم	خشم	ادامه موضوع و بحث و تبادل نظر درباره آن
پنجم	احترام گذاشتن	ارائه داستان احترام گذاشتن و طرح سؤالات مختلف از طرف دانش‌آموزان و گروه‌بندی سؤالات و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره آن‌ها
ششم	احترام گذاشتن	ادامه موضوع و بحث و تبادل نظر درباره آن
هفتم	دزدی	ارائه داستان دزدی و طرح سؤالات مختلف از طرف دانش‌آموزان و گروه‌بندی سؤالات و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره آن‌ها
هشتم	دزدی	ادامه موضوع دزدی و بحث و تبادل نظر درباره آن
نهم	دوستی	ارائه داستان موش و قورباغه و طرح سؤالات مختلف از طرف دانش‌آموزان و گروه‌بندی سؤالات و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره آن‌ها
دهم	دوستی	ادامه موضوع و بحث تبادل نظر درباره آن
یازدهم	ارتباط	ارائه داستان مک کال و طرح سؤالات مختلف از طرف دانش‌آموزان و گروه‌بندی سؤالات و انتخاب سؤالات فلسفی و بحث درباره آن‌ها و بحث درباره سؤالات دانش‌آموزان
دوازدهم	ارتباط	ادامه موضوع ارتباط و گرفتن پس‌آزمون و خاتمه جلسه

یافته‌ها

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته پژوهش در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		مرحله	عضویت گروهی
SD	M	SD	M	N	
۲/۷۶	۱۷	۰/۹۶	۱۳/۳۸	۱۳	دست‌آورد
۲/۳۳	۱۸/۵۳	۱/۲۶	۱۳/۶۱	۱۳	تجربه تحریک
۲/۳۸	۱۸/۷۶	۱/۸۹	۱۳/۳۸	۱۳	تنظیم منسجم
۲/۷۵	۱۷/۵۳	۱/۰۹	۱۳/۶۷	۱۳	تنظیم درون فکنی شده
۲۰/۵۰	۱۷/۳۸	۱/۴۵	۱۳/۴۶	۱۳	تنظیم برون فکنی شده
۱/۷۰	۱۱/۶۱	۱/۸۹	۱۴/۶۱	۱۳	بی‌انگیزشی
۱۰/۶۰	۱۰۰/۸۴	۵/۳۰	۸۲/۱۵	۱۳	انگیزش تحصیلی
۳/۰۹	۱۶/۶۹	۱/۷۵	۱۲/۹۲	۱۳	شناختی
۲/۴۴	۱۸	۱/۷۵	۱۳/۰۷	۱۳	هیجانی
۲/۵۳	۱۸/۰۷	۱/۸۹	۱۳/۳۸	۱۳	رفتاری
۲/۷۳	۱۷/۱۵	۱/۱۰	۱۳/۶۸	۱۳	عاملی
۷/۹۴	۶۹/۹۲	۳/۸۳	۵۳/۰۷	۱۳	درگیری تحصیلی
۱/۸۴	۱۴/۳۰	۱/۰۴	۱۳/۶۱	۱۳	دست‌آورد
۱/۷۷	۱۵/۱۵	۱/۲۶	۱۳/۶۸	۱۳	تجربه تحریک
۲/۳۸	۱۵	۱/۳۸	۱۳/۳۸	۱۳	تنظیم منسجم
۱/۷۵	۱۴/۶۹	۱/۰۱	۱۳/۷۶	۱۳	تنظیم درون فکنی شده
۱/۶۰	۱۴/۳۸	۱/۰۵	۱۳/۵۳	۱۳	تنظیم برون فکنی شده
۱/۰۳	۱۲/۹۲	۰/۹۵	۱۳/۰۷	۱۳	بی‌انگیزشی
۸/۵۷	۸۶/۴۶	۵/۱۹	۸۱	۱۳	انگیزش تحصیلی
۱/۹۵	۱۴/۱۵	۱/۴۴	۱۳/۳۸	۱۳	شناختی
۱/۷۷	۱۵/۱۲	۱/۲۶	۱۳/۶۳	۱۳	هیجانی
۲/۱۹	۱۴/۴۸	۱/۰۵	۱۳/۵۳	۱۳	رفتاری
۱/۷۵	۱۴/۶۹	۱/۰۱	۱۳/۷۶	۱۳	عاملی
۶/۸۱	۵۸/۸۴	۴/۱۹	۵۴/۳۰	۱۳	درگیری تحصیلی

شیب رگرسیون می‌باشد. لازم به ذکر است که سطح معناداری برای مفروضه همگنی شیب رگرسیون، نرمال بودن داده‌ها و همگنی واریانس ($P>0/05$) که نشان دهنده‌ی این است که این مفروضه‌ها در پژوهش حاضر اعمال گردیده است. در ادامه ابتدا به منظور بررسی تاثیر کلی آموزش فلسفه به کودکان بر انگیزش تحصیلی از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول شماره ۳ ارائه می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید میانگین و انحراف معیار متغیرها و زیر مولفه‌های آن‌ها بر حسب مرحله و عضویت گروهی گزارش شده است. کاربرد آزمون F به عنوان یک آزمون پارامتریک، تابع رعایت برخی پیش‌فرض‌های آماری است. این پیش‌فرض‌ها شامل: ۱. فاصله‌ای یا نسبی بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای وابسته ۲. نمونه‌گیری یا گمارش تصادفی آزمودنی‌ها ۳. توزیع نرمال نمرات متغیرهای وابسته ۴. همسانی واریانس‌های متغیر وابسته ۵. تساوی یا تناسب حجم نمونه‌ها ۶. همگنی

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره انگیزش تحصیلی در مرحله پس آزمون

مرحله	اثر	ارزش	F	df فرضیه	dfخطا	معنی داری	اندازه اثر
	پیلایی	۰/۵۰	۹/۴۴	۵	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۷
	لامبدای ویلکز	۰/۴۹	۹/۴۴	۵	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۷
	هلتینگ	۱/۰۲	۹/۴۴	۵	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۷
	بزرگترین ریشه روی	۱/۰۲	۹/۴۴	۵	۱۳	۰/۰۰۱	۰/۷۷

اختلال یادگیری خاص تاثیر دارد. و بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. به منظور تعیین این که در کدام یک زیر مولفه ها تفاوت معنادار است از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول ۴ ارائه می شود.

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می شود پس از خارج کردن اثر پیش آزمون و سایر متغیرهای کنترل، به روش تحلیل کوواریانس چند متغیره، اثر معنی داری برای عامل عضویت گروهی وجود دارد. این اثر چند متغیره نشان می دهد که آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دارای

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره برای بررسی تأثیر مداخله بر زیرمولفه های انگیزش تحصیلی در آزمودنی های گروه های آزمایش و گواه در مرحله پس آزمون

منبع تغییر	متغیر وابسته	SS	Df	MS	F	P	Eta
گروه	دستآورد	۸/۱۲	۱	۸/۱۲	۴/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۳۳
	تجربه تحریک	۹/۰۹	۱	۹/۰۹	۶/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۲۲
	تنظیم منسجم	۶/۱۴	۱	۶/۱۴	۵/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۴۹
	تنظیم درون فکنی شده	۸/۱۹	۱	۸/۱۹	۶/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۴۵
	تنظیم برون فکنی شده	۷/۴۸	۱	۷/۴۸	۳/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۱۸
	بی انگیزی	۱۰/۴۵	۱	۱۰/۴۵	۶/۷۶	۰/۰۰۱	۰/۵۵

آموزش منجر به افزایش انگیزش تحصیلی در آزمودنی های گروه آزمایش می شود. در ادامه به منظور بررسی تاثیر کلی آموزش فلسفه کودکان بر درگیری تحصیلی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص از تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد که نتایج حاصل از آن در قالب جدول شماره ۵ ارائه می شود.

با توجه به نتایج جدول ۴، با کنترل نمرات پیش-آزمون بین گروه های آزمایش و گواه در زیر مولفه های متغیر انگیزش تحصیلی در مرحله پس آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). بنابراین می توان نتیجه گرفت که آموزش فلسفه به کودکان بر تمام مولفه های متغیر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص تاثیر دارد، به این معنا که این

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره درگیری تحصیلی در مرحله پس آزمون

مرحله	اثر	ارزش	F	df فرضیه	df خطا	معنی داری	اندازه اثر
	پیلایی	۰/۶۴	۷/۶۲	۴	۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۴
	لامبدای ویلکز	۰/۳۵	۷/۶۲	۴	۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۴
	هلتینگ	۱/۷۹	۷/۶۲	۴	۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۴
	بزرگترین ریشه روی	۱/۷۹	۷/۶۲	۴	۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۴

همان طوری که در جدول ۵ مشاهده می شود پس از خارج کردن اثر پیش آزمون و سایر متغیرهای کنترل، به روش تحلیل کوواریانس چند متغیره، اثر معنی داری برای عامل عضویت گروهی وجود دارد. این اثر چند متغیره نشان می دهد که آموزش فلسفه به کودکان بر درگیری تحصیلی دانش آموزان دارای

اختلال یادگیری خاص تاثیر دارد و بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. به منظور تعیین این که در کدام یک زیر مولفه ها تفاوت معنادار است از آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول ۶ ارائه می شود.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره برای بررسی تأثیر مداخله بر زیرمولفه های درگیری تحصیلی در آزمودنی های گروه های آزمایش و گواه در مرحله پس آزمون

منبع تغییر	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	P	Eta
گروه	شناختی	۶۵/۸۰	۱	۶۵/۸۰	۲۵/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۵۶
	هیجانی	۶۶/۵۸	۱	۶۶/۵۸	۱۷/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۴۷
	رفتاری	۷۴/۹۰	۱	۷۴/۹۰	۱۵/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۴۳
	عاملی	۴۱/۸۹	۱	۴۱/۸۹	۱۴/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۴۲

با توجه به نتایج جدول ۴، با کنترل نمرات پیش-آزمون بین گروه های آزمایش و گواه در زیر مولفه های متغیر درگیری تحصیلی در مرحله پس آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0.001$). بنابراین می توان نتیجه گرفت که آموزش فلسفه به کودکان بر تمام مولفه های متغیر درگیری تحصیلی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری خاص تاثیر دارد، به این معنا که این آموزش منجر به افزایش درگیری تحصیلی در آزمودنی های گروه آزمایش می شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری بود. نتایج

حاصل از تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری موثر است. به عبارت دیگر نمرات پس آزمون آزمودنی ها در نتیجه برنامه آموزشی بهبود معناداری داشته است. تا زمان گزارش نتایج این پژوهش، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری پرداخته است؛ با این وجود، نتایج حاصل از این پژوهش به نوعی در راستای یافته های پژوهش فتحی آذر، تقی پور و حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸)، محمدپناه اردکان، منصوری، متقی و صانعی-فر (۱۴۰۲)، نصرتی هشی، عباسپور، اسکندری و

نادری (۱۴۰۱) و پادروند، قبادیان، نظریور صمصامی و عالی پور (۱۴۰۲) است. نتایج هر یک از پژوهش‌های ذکر شده حاکی از اثربخش بودن رویکرد آموزشی فلسفه برای کودکان بر متغیرهای چون: هیجان‌های تحصیلی و سرزندگی تحصیلی، نگرش به خلاقیت و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان و استرس تحصیلی است. در تبیین نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان گفت با توجه به ویژگی‌های برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان از قبیل ایجاد فرصت به فراگیران برای شرکت در بحث‌های گروهی و مشارکت فعال در فرایند کلاس درس، کمک به دانش‌آموزان در ایده‌پردازی و شرح ایده‌ها، ترغیب فراگیران به سؤال و جواب با همسالان خود، کمک به آن‌ها در طراحی و انجام فعالیت در گروه‌های کوچک، اجرای نمایش و داستان‌گویی، همچنین دسترسی به مطالب متفاوت بر حسب علاقه، دستکاری و تغییر بخشی از محتوا به کمک فناوری و ... دانش‌آموزانی که در این برنامه شرکت کرده بودند در پایان جلسات آموزشی نسبت به دیگر همسالان خود با اشتیاق و علاقه بیشتری به امور تحصیلی پرداخته و از انگیزش بالاتری در پرداختن به انجام تکالیف برخوردار بودند. در تبیین دیگر می‌توان به دیدگاه بوا، بورتویک و کینون‌ها^{۳۲} (۲۰۰۸) اشاره کرد. وی معتقد است دانش‌آموزان شرکت کننده در برنامه آموزش فلسفه، با بحث در مورد باورها و افکار خود، به دید روشن‌تری از توانمندی‌ها، احساسات و قابلیت‌های‌شان دست می‌یابند، آن‌ها یاد می‌گیرند در برابر چالش‌های ایجاد شده توسط معلم و همکلاسی‌های خود، با صبر و جدیت عمل کنند، درک خود را افزایش دهند، و به تعدیل افکار خویش در جهت نیل به هدف ارزشمند (تلاش برای نزدیک شدن به حقیقت) بپردازند و خواسته‌هایشان را هشیارانه و فعالانه به واقعیت برسانند، نتیجه فهم روشن از توانمندی‌ها و احساسات، افزایش انگیزه دانش‌آموزان در انجام تکالیف درسی است.

در ادامه، پژوهش حاضر نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری موثر است. به بیان دیگر میزان درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری بعد از دریافت برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بهبود یافته است. مشابه با فرضیه نخست پژوهش تاکنون در پژوهشی به اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری پرداخته نشده است. با این وجود نتایج حاصل در راستای یافته‌های پژوهش هرون و کاسدی (۲۰۱۸)، لینگ (۲۰۲۰)، کوکس (۲۰۱۵)، برنجکار و همکاران (۱۳۹۷) و پادروند، قبادیان، نظریور صمصامی و عالی پور (۱۴۰۲) است. نتایج هر یک از پژوهش‌های ذکر شده نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان تاثیر قابل توجهی بر افزایش تفکر انتقادی، خودتنظیمی و مشارکت درگیرانه، بهبود مشارکت دانش‌آموزان در انجام تکالیف کلاسی و بهبود راهبردهای یادگیری دانش‌آموزان شامل راهبردهای شناختی و فراشناختی دارد. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان چنین استدلال نمود که آموزش فلسفه و تفکر فلسفی موقعیتی را به دست خواهد تا دانش‌آموزان ضمن درک بهتری که از مجهولات خود به دست می‌آورند در کشف پاسخ‌ها مشارکت فعال داشته و با درک لذت دانستن، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند. فراهم نمودن چنین فرصتی با استفاده از آموزش مهارت استدلال که با بحث و گفت و گو همراه است، نه فقط در جهت درک عقاید دیگران بلکه برای کشف و ابداع عقاید و ایده‌ها و روشن کردن ارزش‌ها، بازنمایی و بحث خوداطلاح‌گری به منظور بالا بردن فهم و حل مشکلات آتی آنان مفید خواهد بود (مردآزادبھی، یاری‌قلی و پیری، ۱۳۹۹). نتیجه این عوامل افزایش میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی کلاسی به منظور کشف مجهولات است. در تبیین دیگر می‌توان به دیدگاه لیپمن (۲۰۰۳) استناد کرد.

اختلال یادگیری خاص (دختر و پسر) تکرار کنند تا زمینه‌های تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج فراهم شود.

تشکر و سپاسگزاری

در پایان نویسندگان بر خود لازم می‌دانند تا از تمامی دانش‌آموزان، معلمان و گروه آموزشی و اجرایی مرکز اختلالات یادگیری یاسمین که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاری کنیم.

یادداشت‌ها

1. Specific learning disabilities
2. Sainio, Eklund, Ahonen & Kiuru
3. Georgan, Archibald, & Hogan
4. Waber, Boiselle, Forbes, Girard, & Sideridis
5. Graham, Hebert Fishman, Ray & Rous
6. Kausik
7. Antoniou, Polychroni, & Kotroni
8. Academic motivation
9. Elfeky & Elbyaly
10. Kotera, Conway & Green
11. Martin, Ginns & Collie
12. Janosz, Archambault, Morizot & Pagani
13. Academic engagement
14. Alrashidi, Phan & Ngu
15. Hart, Stewart, & Jimerson
16. Martinez, Youssef-Morgan, Chambel & Marques -Pinto
17. Behavioral engagement
18. Emotional engagement
19. Cognitive engagement
20. Perkmann
21. Philosophy for children
22. Lipman
23. Gatley
24. Cullen
25. Siddiqui, Gorard & See
26. Cox
27. Heron & Cassidy
28. Leng
29. Vallerend
30. Reeve & Tseng
31. Inquiry of Community
32. Quinones

منابع

- Abid, N., & Akhtar, M. (2020). Relationship between academic engagement and academic achievement: an empirical evidence of secondary school students. *Journal of Educational Research*, 23(1), 48-61.
- Ahmadi, A., Ziapour, A., Lebni, J. Y., & Mehedi, N. (2023). Prediction of academic motivation based on variables of personality traits,

وی معتقد است این آموزش در پی ایجاد فرصت‌هایی است که در آن‌ها دانش‌آموزان با فعالیت‌های فکری مسائل خود را حل کنند. می‌توان گفت که ماهیت آموزش فلسفه به کودکان با بحث گروهی و ارائه مثال‌های ملموس بین دانش‌آموزان منجر به این شده است که جداسازی و تفکیک مسائل درست از نادرست را تقویت کند. قابلیت و توانایی حل مسئله منجر به بهبود و گسترش شایستگی‌های مهارت‌های شخصی و تحصیلی می‌شود. در نتیجه با گسترش مهارت‌ها و شایستگی‌ها فرد در ابعاد تحصیلی و اجتماعی، تمایل وی برای حضور و شرکت در امور تحصیلی و اجتماعی افزایش پیدا می‌کند.

در مجموع نتایج نشان داد که بسته آموزشی فلسفه به کودکان بر انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری تاثیر معناداری معناداری دارد. نتیجه گرفته می‌شود که بسته آموزشی فلسفه به کودکان روش سودمندی در زمینه کار با دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری به‌منظور ارتقاء انگیزش تحصیلی و درگیری تحصیلی آنان است. در مورد محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت که این پژوهش صرفاً در شهر خرم‌آباد اجرا شد و نمونه مورد مطالعه دانش‌آموزان پسر دارای نارسایی ویژه یادگیری در مقطع ابتدایی بودند. لذا باید در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و مقاطع دیگر، جوانب احتیاط رعایت شود. استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، حجم نمونه پایین و عدم مرحله پیگیری از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود. علی‌رغم محدودیت‌های ذکر شده، با عنایت به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود یک مرحله پیگیری جهت بررسی پایداری اثرات این بسته آموزشی بر دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه یادگیری به مراحل پژوهش اضافه شود. پیشنهاد می‌شود دانشجویان و پژوهشگران چنین پژوهشی را در سایر شهرها و بر روی تعداد بیشتری از دانش‌آموزان دارای

- Grigorenko, E. L., Compton, D. L., Fuchs, L. S., Wagner, R. K., Willcutt, E. G., & Fletcher, J. M. (2020). Understanding, educating, and supporting children with specific learning disabilities: 50 years of science and practice. *American Psychologist*, 75(1), 37.
- Hart, S. R., Stewart, K., & Jimerson, S. R. (2011). The student engagement in schools questionnaire (SESQ) and the teacher engagement report form-new (TERF-N): Examining the preliminary evidence. *Contemporary School Psychology: Formerly "The California School Psychologist"*, 15(1), 67-79.
- Heron, G., & Cassidy, C. (2018). Using practical philosophy to enhance the self-regulation of children in secure accommodation. *Emotional & Behavioural Difficulties*, 23(3), 254-269.
- Janosz, M., Archambault, L., Morizot, J., & Pagani, L.S. (2008). School engagement trajectories and their differential Predictive relations to Dropout. *Journal of Social Issue*, 64 (1): 21-40.
- Kausik, N. H., & Hussain, D. (2023). The impact of inclusive education on academic motivation, academic self-efficacy, and well-being of students with learning disability. *Journal of Education*, 203(2), 251-257.
- Kokabi, .E, Taghvaei, D., & Pirani, Z. (2023). The Effectiveness of Teaching Cognitive and Metacognitive Strategies on Academic Motivation and Academic Engagement of Students with Specific Learning Disorders in Hamedan City. *Journal of Islamic Life Style*, 7 (4), 54-62. (In Persian)
- Kotera, Y., Conway, E., & Green, P. (2023). Construction and factorial validation of a short version of the Academic Motivation Scale. *British Journal of Guidance & Counseling*, 51(2), 274-283.
- Leng, L. (2020). The role of philosophical inquiry in helping students engage in learning. *Frontiers in Psychology*, 11, 449.
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education*, Cambridge University Press.
- Lipman, M. (2017). The Institute for the Advancement of Philosophy for Children (IAPC) program. In *History, Theory and Practice of Philosophy for Children* (pp. 3-11). Routledge.
- Mardazadeh, E., Yarigholi, B., & Pirri, M. (2020). The effectiveness of teaching philosophy to children using the research community method on students' academic anxiety. *Quarterly Journal of Thought and Child*, 11 (2), 233-255. (In Persian)
- Martin, A. J., Ginns, P., & Collie, R. J. (2023). University students in COVID-19 lockdown: The role of adaptability and fluid reasoning in academic self-efficacy, academic alienation and social support in paramedical students. *Community Health Equity Research & Policy*, 43(2), 195-201.
- Alrashidi, O., Phan, H. P., & Ngu, B. H. (2016). Academic Engagement: An Overview of Its Definitions, Dimensions, and Major Conceptualisations. *International Education Studies*, 9, 41-52.
- Antoniou, A. S., Polychroni, F., & Kotroni, C. (2009). Working with students with special educational needs in Greece: teachers' stressors and coping strategies. *International Journal of Special Education*, 24(1), 100-111.
- Arkhodi Ghalenoei, M., Amin Yazdi, S.A., Kareshki, H. & Kimiaee, S. A. (2022). Identification Family Dynamics of Children with Learning Disabilities: A Phenomenological Study. *Journal of Learning Disabilities*, 12(1), 6-21. (In Persian)
- Berjangkar, M., Ahghar, G., & Ansarian, F. (2018). The effectiveness of teaching philosophy to children on students' learning strategies and its sustainability over time. *Thought and Child*, 9 (1), 73-95. (In Persian)
- Bova, C., Burtwick, N. T., & Quinones, M. (2008). Improving womens adjustment to HIV infection: results of the positive life skills workshop project. *Journal of the Association of Nurses in AIDs Care*, 19(1): 58-65.
- Cox, T. D. (2015). Adult Education Philosophy: The Case of Self-directed Learning Strategies in Graduate Teaching. *Journal of Learning in Higher Education*, 11(1), 17-22.
- Dehghani, Y., Hokmatian-Fard, S., & Pasalari, M. (2018). Comparison of academic hope, academic vitality, and academic engagement in students with learning disabilities and normal students. *Quarterly Journal of Exceptional Psychology*, 8 (31), 215-236. (In Persian)
- Elfeky, A. I. M., & Elbyaly, M. Y. H. (2023). The effectiveness of virtual classrooms in developing academic motivation across gender groups. *Ann. For. Res*, 66(1), 2005-2020.
- Fathi Azar, E., Taghipour, K., & Haj Aghaei Khiabani, A. (2019). The effect of philosophy for children training program on emotional self-regulation of working children. *Thought and Child*, 10 (2), 95-114. (In Persian)
- Gatley, J. (2020). Philosophy for Children and the Extrinsic Value of Academic Philosophy. *Metaphilosophy*, 51(4), 548-563.
- Georgan, W. C., Archibald, L. M., & Hogan, T. P. (2023). Speech/Language Impairment or Specific Learning Disability? Examining the Usage of Educational Categories. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research*, 66(2), 656-667.

- vitality based on academic attitudes emotional self-regulation and positive youth development. *Journal of Educational Psychology Studies*, 20(49), 103-121. (In Persian)
- Siddiqui, N., Gorard, S., & See, B. H. (2019). Can programmes like Philosophy for Children help schools to look beyond academic attainment? *Educational Review*, 71(2), 146-165.
- Vallerend, R. j., Pelletier, L. G., Blais, M. R., Briere, N. M., Senecal, C., & Vallieres, E. F. (1992). The Academic Motivation Scale: A measure of intrinsic, extrinsic, and motivation in education. *Journal of Educational and Psychological Measurement*, 52, 1003-1017.
- Visani, M., Lavasani, M., & Aegean, J. (2012). The Role of Progress Goals, Academic Motivation, and Learning Strategies on Statistics Anxiety: Ali Model Test. *Journal of Psychology*, 16 (2), 160-142. (In Persian)
- supporting their academic motivation and engagement. *Learning and Instruction*, 83, 101712.
- Martinez, I. M., Youssef-Morgan, C. M., Chambel, M. J., & Marques -Pinto, A. (2019). Antecedents of academic performance of university students: Academic engagement and psychological capital resources. *Educational Psychology*, 39(8), 1047-1067.
- Mohammadpanah Ardakan, A., Mansouri, A. S., Motaqi, S., & Sanei Far, F. (2023). The effectiveness of teaching philosophical thinking to children on academic stress, self-control, and critical thinking of sixth-grade elementary students. *Quarterly Journal of Thinking and Child*, 19 (1), 33-45. (In Persian)
- Nosrati Hashi, p., Abbaspour, N., Eskandari, A., & Naderi, Z. (2022). The Effectiveness of Implementation of Philosophy Education Program on Children on an attitude to the creativity and motivation of the development of female students in Isfahan. *Journal of Educational and School Studies*, 11 (1), 13-23. (In Persian)
- Padervand, H., Ghobadian, M., Nazarpour Samsami, P., & Alipour, K. (2023). Investigating the Impact of Philosophy for Children Education on Academic Emotions and Academic Vitality of Sixth Grade Male Students. *Journal of Research in Education and Learning*, 19 (2), 47-55. (in Persian)
- Perkmann, M., Salandra, R., Tartari, V., McKelvey, M., & Hughes, A. (2021). Academic engagement: A review of the literature 2011 - 2019. *Research Policy*, 50(1), 104 -114.
- Rahdar, A., Pourghaz, A., & Marziyeh, A. (2018). The Impact of Teaching Philosophy for Children on Critical Openness and Reflective Skepticism in Developing Critical Thinking and Self-Efficacy. *International Journal of Instruction*, 11(3), 539-556.
- Reeve, J., & Tseng, C. M. (2011). Agency as a fourth aspect of students' engagement during learning activities. *Contemporary Educational Psychology*, 36(4), 257-267.
- Rezaei, A., & Mohammadzadeh, A. (2019). Comparison of hope, academic achievement motivation, and academic self-concept in students with and without specific learning disabilities. *Learning Disabilities Journal*, 9 (2), 7-35. (In Persian)
- Sainio, P. J., Eklund, K. M., Ahonen, T. P., & Kiuru, N. H. (2019). The role of learning difficulties in adolescents' academic emotions and academic achievement. *Journal of Learning Disabilities*, 52(4), 287-298.
- Samavi, A., Samavi, A., & Hashmipour, S. (2023). Presenting a causal model of students' academic

